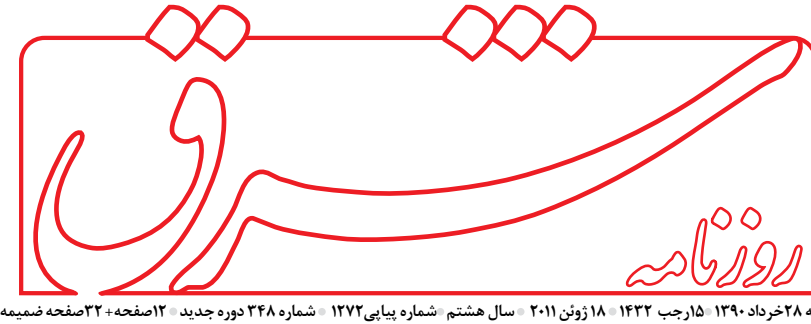




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲، ۸۸۶۵۸۵۷۵-۱
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵-۱
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۱۲۰-۵
چاپ: کاراپام تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharhnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۵ اذان مغرب ۲۰:۴۴ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸



نگاه منتقد

ممیزی خیر خواهانه

نمونه ماجراهای هکبری فین



روبرت صافاریان

■ لایل سال جاری میلادی چاپ جدیدی از رمان ماجراهای هکبری فین اثر مشهور مارک تواین منتشر شده که در آن کلمه nigger به زبان انگلیسی به سیاهپوستان اطلاق می‌شود و بار اهانت‌آمیزی دارد، به کلی حذف شده است. ۲۱۹ nigger بار در این رمان مشهور مورد استفاده قرار گرفته است. این نیز گفتنی است که برای خواننده کتاب آشکار است که مارک تواین نگاه منفی به سیاهپوستان ندارد. در کانون رمان شخصیت جذاب جیم، برده سیاهپوست فراری قرار دارد که برای خودش یک پا فیلسوف است و در پاکی و درستکاری بی‌نظیر. نکته دیگر اینکه کتاب از دید هکبری فین نوشته پسر بچه ۱۳، ۱۴ ساله‌ای است و نگاهش به دنیا و مساله بر دگی سیاهان، همان است که در فرهنگی که او در آن بار آمده به او موخته‌اند. او در چند مقطع از رمان به‌شدت عذاب‌وجدان دارد که چرا به یک برده کمک می‌کند فرار کند و به خاتم واتسون (صاحب برده) که هیچ کار بدی در حق او نکرده، بد می‌کند. اما به هر رو او دست از همراهی جیم بر نمی‌دارد. حتی خود جیم هم مانند هکبری فین به دنیا و از جمله مساله بر دگی سیاهان نگاه می‌کند. در آن دوره تاریخی، مردم عادی آمریکا برای نامیدن سیاهپوستان از این لفظ استفاده می‌کردند. این لفظ در آن زمان هم مانند امروز بار نژادپرستانه داشت. اما آیا قرار است با حذف این واژه وانمود شود که مردم آمریکا هرگز به سیاهپوستان نگاه نژادپرستانه نداشته‌اند. آیا این یک نوع تطهیر واقعیت زشت و رنگ آمیزی دادن به گذشته تاریخی نخواهد بود؟ به محض انتشار خبر چاپ جدیدی از ماجراهای هکبری فین با این مشخصات، سروصدای زیادی در مطبوعات دنیا به پا شد و ناشر و ویراستار کتاب به سانسور از سر حسن نیت متهم شدند. گفته می‌شد به این ترتیب باید منتظر حذف کلمه جهود از نمایشنامه رومئو و ژولیت و دهها نمونه مشابه دیگر بود. با این کار، علاوه بر تحریف آثار هنری، تصویر نادرستی از تاریخ در اذهان مردم امروزی ترسیم می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که مردم همه دوران‌ها هم مثل مردم امروز فکر و رفتار می‌کرده‌اند. اما ویراستار و مبتکر این چاپ جدید، دکتر آلن گرین هم حرف‌هایی دارد. او که پژوهشگر بنام و صاحب صلاحیت آثار مارک تواین و از دوستداران اوست، می‌گوید معلمان بسیاری به او گفته‌اند به خاطر کاربرد همین یک کلمه نمی‌توانند این رمان را در کلاس‌هایشان تدریس کنند و بسیاری از دانش‌آموزان‌شان به این واژه حساسیت نشان می‌دهند و قصد او این بوده است که با جایگزین کردن کلمه برده به جای آن، بر تعداد خوانندگان کتاب بیفزاید. بعد از اینکه خواننده شیفته رمان شد، می‌تواند نسخه اصلی را هم بخواند. در یک کلام، این کار از سر حسن نیت و خیرخواهی انجام گرفته است. انگیزه ناشر و ویراستار این بوده که با ترویج نژادپرستی مقابله کنند؛ یک جور بهداشتی کردن و تأمین سلامت اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه است. عامل این سانسور دولت و هدف آن حفظ سلطه حکومت و ممانعت از افکار آزادی‌خواهانه بوده، بلکه هدف آزادی‌خواهانه و لیبرال بوده است و اتخاذ موضع درست از منظر سیاسی به راست‌کرداری سیاسی political correctness. در دهه‌های اخیر این اصطلاح و تگ‌ریش بارها به عنوان چیزی زیان‌آور برای آزادی بیان هنری مورد نقد قرار گرفته است. فراموش نکنیم که سانسور غالباً با حسن‌نیت و به قصد محافظت جامعه از تعصباتی مانند نژادپرستی، ضدیت با زنان، ترویج خشونت و ابتلاز به عمل می‌آید. این آخری گاهی شکل حمایت از برخی جنبه‌های سانسور دولتی را به خود می‌گیرد. آشکارا به دولت انتقاد می‌کنند که چرا اجازه می‌دهد فیلم‌ها و کتاب‌های مبتذل تولید و توزیع شود یا تلویحا به دولت پیشنهاد سانسور این گونه آثار را می‌کنند. آنچه در مورد رمان ماجراهای هکبری فین رخ داده نمونه‌ای است از گسترش دغدغه پاکسازی یا بهداشتی‌سازی به حیطه تاریخ. نه تنها تحریف تاریخی است، بلکه نقض حقوق نویسندگی که دیگر نیست و امکان دفاع از خود را ندارد و همین طور دست بردن در اسناد تاریخی و به رسم روز در آوردن آنها. جالب است بدانیم در ترجمه فارسی این رمان توسط نجف دریابندری nigger به سیاه، سیاهپوست و چند جا به غلام-سیاه ترجمه شده است. هیچ کدام از این کلمات بار توهین‌آمیز ندارند. اصولاً پیدا کردن کلماتی فارسی که هم معنای ارجاعی nigger را داشته باشند و هم معنای تلویحی و بار عاطفی و ایدئولوژیک آن را غیرممکن است. به این ترتیب، در گفت‌وگو از ترجمه، تمام آن بحث‌ها منتفی می‌شوند. اما در عین حال نشان می‌دهد که ما در ترجمه، بدون سانسور خیرخواهانه نیز بسیاری چیزها را از دست می‌دهیم.

شوق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲، ۸۸۶۵۸۵۷۵-۱
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵-۱
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۱۲۰-۵
چاپ: کاراپام تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharhnewspaper.ir
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۵ اذان مغرب ۲۰:۴۴ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸



دبیرخانه اسامی را اعلام کرد سید حسن خمینی نامزد جایزه کتاب فصل

شرق: «سیدحسن خمینی» با کتاب «فرهنگ جامع فرق اسلامی» به مرحله دوم داوری بخش‌های مختلف گروه دین در شانزدهمین دوره از جایزه کتاب فصل راه پیدا کرد. دبیرخانه جایزه کتاب فصل دیگر نامزدهای گروه دین این جایزه را که شامل کتاب‌های علوم قرآنی و حدیث، فقه و اصول، کلام، اخلاق، عرفان می‌شود را نیز معرفی کرد. در شانزدهمین دوره از جایزه کتاب فصل در میان آثار منتشر شده، هفت هزار و ۵۴۲ عنوان اثر مورد ارزیابی قرار گرفت و ۲۴۷ اثر به مرحله دوم داوری‌ها راه یافته‌اند. در میان دیگر آثار می‌توان به کتاب «بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث» تألیف محمد محمدی ری شهری و حمیدرضا شیخی اشاره کرد. اما «سیدحسن خمینی» که با کتاب «فرهنگ جامع فرق اسلامی» در بخش کلام از گروه دین شانزدهمین دوره از جایزه کتاب فصل حاضر است باید به رقابت با آثاری چون «اقتدا به محمد(ص)» نوشته کارل ارنست و ترجمه حسن نورایی بیدخت، «اقتدا به محمد(ص)» تألیف کارل ارنست و ترجمه قاسم کاکایی برای راهایی به مرحله بعد بپردازد. «فرهنگ جامع فرق اسلامی» که یکی از کامل‌ترین فرهنگ‌نامه‌هایی است که تاکنون در زمینه فرق اسلامی به زبان فارسی تألیف و نگاشته شده است، پریایه دست‌نوشته‌های «آیت‌الله سیدمهدی روحانی» است. این کتاب در سه جلد گالینگور

پیشنهاد

جدیدترین آلبوم گروه شمس و تهمورس پورناظری منتشر می‌شود

کمانچه ، سیتار و تنبور «افسانه شو» را می‌نوازند

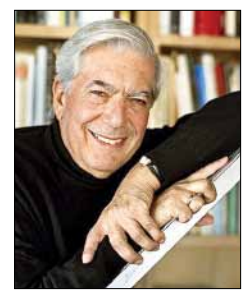
فرزانه ابراهیم زاده



شرق: آوای همنوایی تنبور، سیتار و کمانچه از تخت جمشید تاج‌محل با یکدیگر همراه می‌شوند. آلبوم «افسانه شو» اولین تجربه همکاری برادران پورناظری با شجاعت حسین‌خان، نوازنده مطرح سیتار هندی و اولین مجموعه از پروژه موسیقی «ز تخت‌جمشید تا تاج‌محل» است؛ پروژه‌ای که در آن همنوای تار (تهمورس پورناظری) و سیتار (شجاعت حسین‌خان) و کمانچه (سهراب پورناظری) به وسیله تهمورس پورناظری طراحی و تدوین شده که قرار است به زودی وارد بازار موسیقی شود. شاید تکراری باشد بگویم شجاعت حسین‌خان از بزرگ‌ترین نوازندگان موسیقی کلاسیک شمال هند در نسل خود است و نام او در کنار پاورتی در فهرست ۲۵ هنرمند نامدار سال در مجله «هیستون هرالده» به چشم می‌خورد. بعد از همکاری او با حسین کلهر این دومین همکاری شجاعت حسین‌خان با هنرمندان ایرانی است. او در این اثر در کنار تهمورس و سهراب پورناظری که تنبور و کمانچه می‌نوازند، با نواي سیتار هندی

خبرآنلاین: ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پروپی برنده جایزه نوبل در جریان سفر خود به چین در یک سخنرانی برای دانشجویان، نظام‌های دیکتاتوری را به باد انتقاد گرفت. این نویسنده در دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای ضمن انتقاد شدید از دولت‌های دیکتاتوری گفت: «سیاست نباید فقط در دست سیاستپون باشد. دولت‌های دیکتاتوری و اقتدارگرا جامعه را فاقد می‌کنند.» هر چند یوسا به دولت چین اشارهای نکرد اما رسانه‌های دولتی سخنان او را بازتاب ندادند. این رسانه‌ها در عوض بر صحبت‌های نویسنده در مورد ادبیات و مصاحبه‌های پایان‌ناپذیر او از زمان بردن جایزه نوبل ادبیات در اکتبر سال گذشته تمرکز کردند.

یوسا در این سخنان به مختل شدن زندگی و کارش از زمان بردن نوبل هم اشاره کرد. او از طرف دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای استاد افتخاری خوانده شده و در یک تور علمی به چین سفر کرده است. یوسا

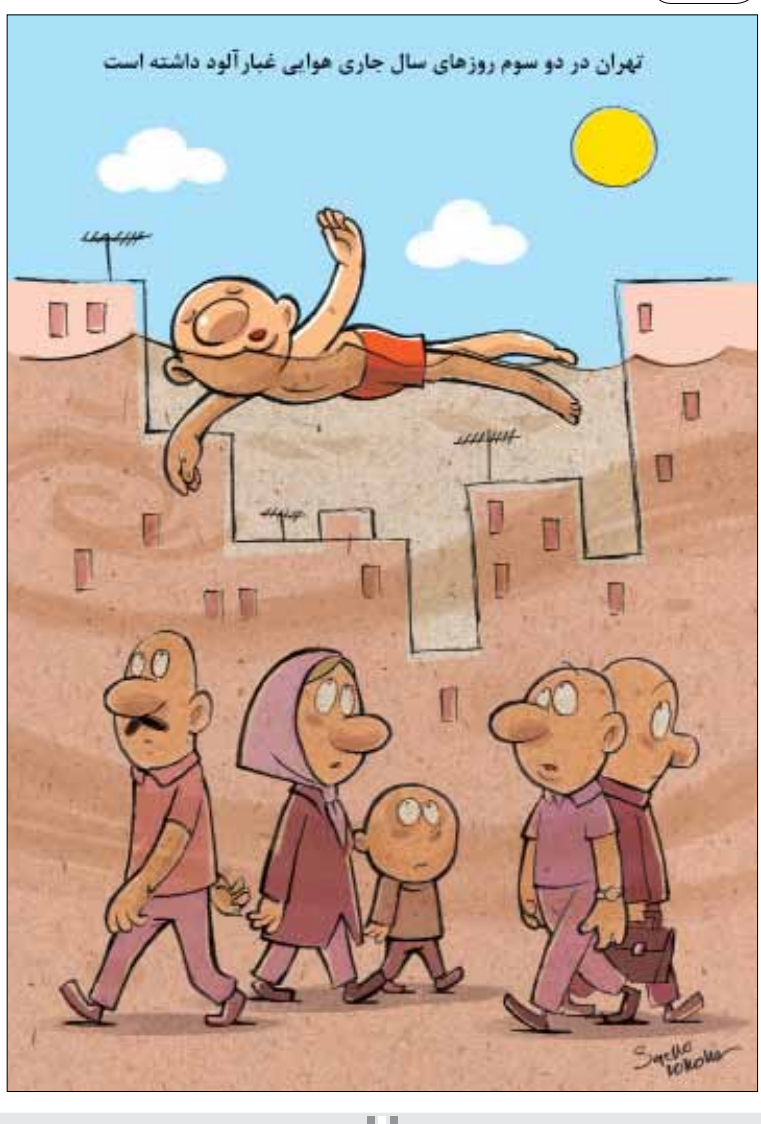


یوسا در چین هم دست از سر دیکتاتوری برنداشت

گفت: «می‌خواستم رمان «گفت‌وگو در کاندلر» (۱۹۶۹) نشان دهم چگونه حکومت‌های دیکتاتوری جامعه را به نابودی می‌کشند. این دولت‌ها با قدرت تمام فعالیت‌های کمتر سیاسی و فعالیت‌هایی را که از سیاست دور هستند، مسموم می‌کنند و نتیجه و ثمر آنها را از بین می‌برند. هر شهروند باید در زندگی سیاسی زمانه خود نقش داشته باشد و از این نقش آفرینی نتایج و انتخاب درست حاصل می‌شود.» ماریو بارگاس یوسا سال گذشته از دولت چین به دلیل زندانی کردن لیو شیاپو، برنده صلح نوبل به شدت انتقاد کرد. دولت چین معتقد است، شیاپو مجرم است در حالی که نویسنده پروپی او را «جنگجویی خواند که قهرمان دموکراسی در کشورش است.» شیاپو سال ۲۰۰۹ به اتهام تلاش برای سرنگون کردن دولت به ۱۱ سال زندان محکوم شد. «سور بر»، «قصه‌گو»، «سِر کدها» و «دختر بد» از دیگر آثار یوسا هستند.

سلمان طاهری

salmantaheri@gmail.com



زاویه

برو آنجا که تو را منتظرند



بهمن فروتن

بخدا خلق را نداشت اما با اصرار همسر به اتفاق راهی سفارت شدیم. رفتم به سفارت جمهوری اسلامی ایران در برلین. پشت یکی از رایجه‌ها، جوان برازندای مودبانه از همسر پرسید کار شما چیست؟ برای گرفتن گذرنامه در این زمان کوتاه، کار هزار و یک مشکل داشت که اتفاقاً متصدی مربوطه به چندانی آن اشاره کرد و گفت: گذرنامه جدید تا ۱۰ روز دیگر آماده می‌شود. همسر توضیح داد که خیلی خوشحال می‌شد اگر می‌توانست همراه من عازم تهران شود. متصدی گفت: بفرمایید بنشینید، بگذارید ببینم چه کار می‌توانم برای شما انجام دهم. ولسی قوی نمی‌دهم. او رفت و متصدی دیگری را جایگزین خود کرد تا به امور اداری دیگران رسیدگی کند. رفتار متصدی متضدی با مراحان دیگر بسیار محترمانه و مودبانه و از همه مهم‌تر با علاقه‌مندی به حل مشکلات این افراد بود. با اینکه تعداد زیادی مراجعه‌کننده در سالن انتظار بودند ولی سکوت مطلق در این مکان حکمفرما بود، درست برخلاف گذشته که از پس هر باجایی اثر اثر دعوا، مرافعه و عدم تفاهم فقط صدای فریاد متصدی و مراجعه‌کننده را می‌شنیدی. دو ساعت گذشت و متصدی با چهارای دیگر بسیار محترمانه همسر را به سوی باجه فراخواند و گفت: خوشبختانه موفق شدیم. اینجا را امضا کنید این هم گذرنامه جدیدتان. مسفرتان به خیر. ایرانی‌ها از نظر روحی و روانی آدم‌های خاصی هستند، کار خوب را اول باید ببینند چه کسی انجام داده است آن وقت تصمیم بگیرند که تعریف کنند یا نه. همین روزنامه شرق روزی می‌خواست مطلبی را که من در آن از حرکت بسیار خوب و مثبت متصدی تعریف کرده بودم به دلیل اختلاف دید سیاسی چاپ نکند اتفاق پس از بحث و مباحثه زیاد بر سر دموکراسی و شبه‌دموکراسی، آن مطلب در سرمقاله چاپ شد ولی امروز وقتی این جریان را تعریف کردم گفتند می‌شود خواهش کنیم آن را برای صفحه آخر بنویسید. تگرش و قبول کارهای مثبت و نظریات معقول و منطقی از هر جهت و سببی نشانه پیشرفت اجتماعی است. به همین دلیل باید اذعان داشته باشیم که مراجعه به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای شخص من دیگر مشقت‌بار نیست.

رونمایی از «تاراج‌نامه» بیضایی

ایسنا: نمایشنامه «تاراج‌نامه» اثر بهرام بیضایی در انتشارات روشنگران رونمای شد. در مراسم رونمایی، نمایشنامه «تاراج‌نامه» اثر بهرام بیضایی روخوانی شد. پس از آن، رسول نظرزاده، سرپرست گروهی که روخوانی «تاراج‌نامه» را انجام داد، درباره این کتاب اظهار کرد: شیوه نقلی و پرده‌خوانی دلیل گتم متأسفانه این سفر برای تو امکان‌پذیر نیست چون برای اخذ یک گذرنامه جدید، زمان بسیار کوتاه است. زمان واقعا کوتاه بود و من هم حوصله چک و چونه زدن با فروشنده‌های

فروش ۲۴ هزار پوندی آلبوم امضاشده «جان لنون»

ایسنا: آلبوم امضاشده «جان لنون» ستاره گروه موسیقی «بیتلز»، بیش از ۲۳ هزار پوند فروخته شد. آلبوم موسیقی «جان لنون»، خواننده و آهنگساز گروه موسیقی «بیتلز» که چند ساعت پیش از کشته شدنش امضا کرده بود، در یک حراجی به قیمت ۲۳ هزار و ۷۵۰ پوند به حراج رفت. «جان لنون»، خواننده، آهنگساز و شاعر معروف انگلیسی که در خانواده‌ای از طبقه کارگر به دنیا آمد، در روز هشتم دسامبر سال ۱۹۸۰، وی به آزارتمان خود در ساختمان داکوتای نیویورک بازمی‌گشت که به دست یکی از طرفداران سابقش به ضرب چهار گلوله کشته شد.

کارتون خواب

تلنگری به خود

پژمان موسوی



■ یکی می‌گوید هشت دقیقه در روز؛ یکی از چند ثانیه در روز سخن می‌گوید و خوشبین‌ترین‌شان نیز از حدود ۱۶ دقیقه در طول شبانه روز سخن به میان می‌آورد. اما این اعداد در این شکل و شمایل‌شان اساساً چه تفاوتی با هم دارند؟ آیا دعوا بر سر همین تفاوت‌های اندک است یا اینکه ابعاد فاجعه بسیار بیش از اینهاست و ما از آنها غافلیم؟ میزان یا سرانه مطالعه در جوامع مختلف بشری تابع فاکتورهایی است که از پارامترهایی چون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و حتی جغرافیای آن جوامع تبعیت کرده و نسبت به چگونگی این فاکتورها در هر کدام به نسبت دیگری متفاوت است. در ایران نیز فاکتورهای مختلف و متفاوتی درباره سرانه مطالعه وجود دارد و در محافل رسمی و غیررسمی هم از چرایی سرانه پایین مطالعه در ایران چه بسیار که سخن‌ها رانده شده و به قول معروف این موضوع سال‌هاست که «کارشناسی» می‌شود. گرفتاری‌های زندگی روزمره در ایران و گران بودن کتاب به عنوان یک کالا، به نوعی می‌توان گفت چکیده تمامی دلایلی است که برای این مهم ذکر می‌شود و مسئولان امر نیز می‌کوشند با برنامه‌های خاص خود- که برپایی جشنواره‌ها و مسابقات گوناگون را در بر می‌گیرد- به قول خودشان وظیفه‌شان را در «کتاب‌خوان» کردن مردم به انجام رسانده و از خود در این حوزه «سلب مسئولیت» کنند. در این گیرودار آیا به واقع از خود پرسیده‌اید که چرا کتاب نمی‌خوانیم یا کم می‌خوانیم؟ آیا اگر دیدگاه‌ها یا برنامه‌های دولت را در این زمینه نقد می‌کنیم و آنها را سراسر مردود می‌شماریم، راه‌حلی جایگزین را در چنته داریم که در صورت لزوم به کارش بندیم؟ مگر نه این است که راه اصلاح جامعه از اصلاح فرد می‌گذرد و اگر ما تک تکمان مطالعه را به عنوان یکی از ضروریات زندگی خود برشمیریم، جامعه هم در یک فرآیند خودبه‌خودی کتاب‌خوان می‌شود؟ به نظر می‌رسد هر کدام از ما در زندگی روزمره خود کاری را می‌کنیم که در جامعه آن کار پذیرفته می‌شود یا به قولی بهایی برایش پرداخته می‌شود؛ اگر روزی مشاهده می‌شود که دروغ در جامعه بسیار رواج دارد قطع و یقین بنادید که دروغ در جامعه کار کرد دارد و دروغ‌گویی می‌تواند گره‌ای از کار مردمان بگشاید و مردم، دروغگو نیستند و تنها برای رفع گرفتاری‌های خود است که دروغ می‌گویند؛ یا اگر جامعه مدگرا می‌شود این دقیقاً به دلیلی است که آن مدرگرایی به یک ضرورت در بین نسلی تبدیل شده به نحوی که اگر فردی از آن نسل باشد و مد مورد نظر را رعایت نکند، خود به خود از گروه همسالان و جامعه‌اش طرد می‌شود. حال فکر می‌کنید با این اوصاف اساساً مطالعه کردن چه کار کردی در جامعه امروز ما دارد؟ کتاب خواندن کجا به درد مردم می‌خورد که آنها را به تلاوم این امر تشویق کند؟ مطالعه کردن آیا در جامعه با بازخوردی مثبت روبه‌روست؟ آیا به فرد کتاب خوان امتیازی ویژه اعطا می‌شود؟ آیا اساساً از کسی از میزان دانسته‌ها یا فرهیختگی‌اش پرسشی می‌شود؟ به نظر می‌رسد در جامعه مصرف‌زده و تکرارکرد امروز ما، تنها چیزی که کارکرد ندارد، کتاب خواندن است و از همین‌رو هم هست که به جز قشری معدود، اساساً کتاب‌خوانی و مطالعه در سبب زندگی مردمان ما کمترین جا را به خود اختصاص داده است و به دلیل عدم احساس ضرورت برای این مهم، این روند همچنان نیز ادامه داشته و نشانه‌ای از تغییر در وضعیت آن مشاهده نمی‌شود. این محنه‌ای که ترسیم شد، واقعیت امروز ماست، اما حقیقت نیست و می‌تواند با کاربست روش‌هایی ویژه و دگرگون شود. اگر هر کدام از ما کتاب را از حاشیه به متن زندگی‌مان آوریم و حداقل در مرادات‌مان در سطح اجتماع، دانسته‌هایمان را به کار بندیم، خواهیم دید که از اجتماع‌های محبوس، فرهنگ مطالعه و فرهیختگی به سطح اجتماع به معنای جامع‌مان سرخ خواهد کرد و کتاب به عنوان ابزار فرهیختگی، جامعه‌ها را هر روز بیش از روز قبل از خود با «فرهنگ» خواهد کرد.

خبر آخر

نمایشگاه نقاشی‌های فیروز آبادی در گالری «اعتماد»

■ نمایشگاه نقاشی‌های مهتاب فیروزآبادی دیروز در گالری «اعتماد» رونمایی شد. نصرت‌الله مسلمان‌حضرمند نقاش به یادداشتی بر این مجموعه نوشته است: «مهتاب فیروزآبادی در این چند سال اخیر تلاشی چشمگیر داشته تا از دریافت‌هایی که ریشه در روزمرگی و کلیشه‌ای رایج دارند ، دور شود. او دریافته که هنر در روندی پیچیده و نگاهی به زفای زندگی و واقعیت‌ها بیشترین نقش و کاربرد اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. جسارت او برای ورود به چنین موقعیتی نشانگر آمادگی هنرمند برای خطر کردن و درافتادن با سطحی‌نگری در فضای موجود هنری است.» هنرمند در ادامه توضیح داده است: «آثار مهتاب فیروزآبادی از یک‌سو گرایش به نظمی هندسی را دنبال می‌کنند و از دیگر سو غولتین در موقعیتی احساسی را به نمایش می‌گذارند. آنچه در پایان یک پروسه به دست می‌آید موقعیتی القایی و مدرن است.»